

شهرت و جبران ضعف سند: نگاهی به دیدگاه وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ق)

حمید باقری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۳۰)

چکیده

فقه امامی در طول تاریخ خود همواره با این واقعیت مواجه بوده است که گاه حدیثی ضعیف السند مستند فتوای فقیهان قرار گرفته یا اصحاب به چنین حدیثی عمل کرده‌اند. این پدیده بحثی چالشی در میان فقیهان در پی داشته است مبنی بر اینکه آیا شهرت می‌تواند جبران‌کننده ضعف سند حدیثی باشد؟ همه فقیهان امامی در این باره هم‌نظر نیستند. از منظر برخی فقیهان، «شهرت» می‌تواند ضعف سندی حدیث را جبران نماید و اعتباربخش آن باشد. به نظر این فقیهان، اعراض اصحاب در عمل به حدیثی هرچند صحیح السند نیز در بی‌اعتباری آن مؤثر است. در مقابل، آن دسته از فقهای که حجیت شهرت یا بعضی شاخه‌های آن را نپذیرفته‌اند، با قاعده «جبران ضعف سند با شهرت» مخالفت کرده‌اند. وحیدبهبهانی از فقیهان بزرگ اصولی است که به برخی گونه‌های آن در جبران ضعف سندی حدیث تمسک جسته است. او شهرت عملی - به شرط موافقت با اصول و قواعد کلی و مسلم - و فتوایی را هرچند مأخوذ از فتاوی فقیهان متأخر باشد در جبران ضعف سند حدیث پذیرفته است، اما شهرت روایی صرف را عامل جبران ضعف سند نمی‌داند. وی همچنین معتقد است همان‌گونه که اقبال عملی اصحاب، ضعف یک روایت را جبران می‌کند و سبب اعتبار روایت می‌شود، اعراض اصحاب از یک روایت نیز موجب سستی آن می‌گردد. این نوشتار تلاش دارد تا با اشاره‌ای گذرا به طیف‌های مختلف فقیهان در مسأله «شهرت» و امکان جبران ضعف سند حدیث با استناد به آن، دیدگاه وحیدبهبهانی را در این باره به تفصیل مطرح نماید.

واژگان کلیدی: حدیث ضعیف، ضعف سندی، شهرت، جبران ضعف سند، وحید بهبهانی

۱. مقدمه

از اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری، با رشد نگرش رجالی در میان عالمان امامی، روش شناخته شده متقدمان در ارزیابی حدیث رو به افول نهاد. این امر تأثیری شگرف در حوزه حدیث پژوهی شیعه و به تبع استنباط احکام فقهی بر جای گذاشت که تأثیرات آن تا به امروز نیز قابل مشاهده است.

مهم‌ترین ملاکی که متأخران بر پایه آن، خبری را می‌پذیرفتند «کیفیت سند به لحاظ ویژگی روایان آن» بوده است [در این باره نک: ۸، ص ۱۶۸-۲۵۰؛ ۲۰، ص ۱۶۵-۲۱۲]. از این رو موضوع شروط راوی به مثابه یکی از محوری‌ترین مباحث نزد حدیث پژوهان و فقیهان امامی جایگاه ویژه‌ای یافته است. مراد از شروط راوی، صفات و خصوصیات است که روایان یک حدیث، در مرحله تحمل یا ادای آن می‌بایست بدان متصف باشند تا روایت آنها در شمار روایات مقبول قرار گیرد. این نگرش، وثاقت در نقل را برای راوی حدیث لازم اما کافی نمی‌دانست، بلکه وجود دو شرط «عدالت» - در معنای شرعی آن^۱ - و «ایمان»^۲ را نیز برای پذیرش احادیث روایان ضروری قلمداد می‌کرد.^۳ تکیه بیش از پیش بر آیه نبأ [یا تثبت؛ الحجرات: ۶] در حجیت خبر واحد را می‌توان از جمله عوامل اثرگذار در تمرکز ایشان بر سند و اوصاف روایان به‌شمار آورد. بر اساس مفهوم این آیه [بر فرض ثبوت مفهوم برای آن و دلالتش بر حجیت خبر واحد]، چنانچه خبردهنده عادل باشد، استناد به او جایز است و تحقیق و تفحص برای پی بردن به صدق او لازم نیست [برای نمونه نک: ۱۲، ص ۲۷۱؛ ۲۵، ص ۹۱، ۲۰۰-۲۰۱؛ ۲۸، ص ۱۴۴؛ ۳۲، ص ۲۲۸-۲۲۹، ۲۳۰-۲۳۲؛ ۴۲، ص ۹۱].

از این زمان به بعد، دو مؤلفه «عدالت» و «ایمان» چنان نقش کلیدی در نگرش فقیهان امامی در عرصه نقد احادیث یافت که سبب ارائه تقسیمی جدید از حدیث شد. فقیهان اصولی دوره متأخر، احادیث را به اعتبار ویژگی‌های سند و روایان آنها به چهار گونه اصلی

۱. تعریف مشهور فقیهان متأخر این‌گونه است: «الْعَدَالَةُ هَيْئَةٌ رَاسِخَةٌ تَبَعَتْ النَّفْسَ عَلَى الْإِتْيَانِ بِالْوَاجِبَاتِ وَ تَرَكَ الْمَحْرَمَاتِ وَ خِلَافَ الْمَرْوَةِ». نک: ۴، ج ۱۲، ص ۳۰۷؛ ۲۵، ص ۲۰۰؛ ۲۹، ج ۲، ص ۱۵۶؛ ۳۱، ج ۵، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ ۳۲، ص ۲۳۲؛ ۴۰، ج ۲، ص ۱۲۵؛ ۴۱، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. در عرف محدثان و فقیهان، مقصود از ایمان آن است که راوی خبر، شیعه دوازده امامی باشد. برای نمونه نک: ۲۵، ص ۲۰۰؛ ۲۸، ص ۱۴۹؛ ۴۲، ص ۱۸۹؛ ۵۲، ج ۲، ص ۲۶.

۳. البته گفتنی است که به باور شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی عاملی در هدایة الأبرار متقدمان امامی نیز دو شرط «عدالت» و «ایمان» را تنها درباره مفردات روایان لازم و ضروری می‌دانستند. نک: ۵۱، ص ۱۲۲.

تقسیم کرده‌اند: صحیح، حَسَن، مُوْتَق و ضعیف [۲۴، ج ۱، ص ۴؛ ۵۲ / الهدایة، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۷۷].^۱

سخن دربارهٔ نخستین دانشمندی که تقسیم‌بندی چهارگانهٔ حدیث نزد شیعه را ارائه کرد محل گفتگوست. دیدگاه‌ها در این باره میان ابن طاووس و شاگرد وی علامه حلی متفاوت است [۱۰، ج ۱، ص ۱۴]، در این میان برخی احمد بن طاووس حلی [م ۶۷۷ق؛ ۶، ج ۱، ص ۱۴۹؛ ۲۴، ج ۱، ص ۱۴؛ ۵۱، ص ۹۶-۹۷] و گروهی دیگر علامه حلی (م ۷۲۶ق) [۵، ص ۳۰، ۱۲۲ و ۱۲۳، ۱۷۳] و گروهی هر دوی ایشان - بدون بیان تفصیل میان آن دو - را به عنوان نخستین مبتکر تنویع حدیث یاد می‌کنند [۲۳، ج ۳۰، ص ۲۰۳، ۲۵۱، ۲۶۲؛ ۳۳، ص ۲۱۸، ۲۲۰؛ ۵۹، ج ۳، ص ۴۸۳].

پیدایش اصطلاح جدید یا تقسیم حدیث به طور رسمی در کتاب *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب* علامه حلی قابل مشاهده است. وی در مقدمهٔ هشتم این کتاب به تقسیم چهارگانهٔ حدیث و تعاریف آنها اشاره کرده است: «در مورد برخی از روایات لفظ صحیح به کار رفته است، و منظورمان آن است که راویان این خبر ثقه و عادل هستند، و در بخشی دیگر از روایات لفظ حَسَن استعمال شده، که مراد آن است که اصحاب برخی از راویان این خبر را مدح کرده‌اند، هر چند به وثاقت او تصریح نموده‌اند. در برخی دیگر از این اخبار لفظ مُوْتَق آمده است که مقصودمان آن جمله از احادیثی است که بعضی از راویان آنها امامی نبوده، بلکه فَطْحی، واقفی و غیره هستند، اما اصحاب بر ثقه بودنشان شهادت داده‌اند» [۳۰، ج ۱، ص ۹-۱۰].

عبارات بالا با احتساب روایت ضعیف که به احتمال فراوان علامه حلی به دلیل روشنی آن را ذکر نکرده است، گویای تقسیم‌بندی چهارگانهٔ حدیث است که پیش از این عالمان شیعی در دو حوزهٔ فقه و حدیث با چنین تقسیمی آشنا نبوده‌اند. به هر روی تقسیم‌بندی جدید چهارگانه دربارهٔ حدیث پدید آمد و در عمل در فقه و رجال مورد استفاده قرار گرفت.

۲. طرح مسأله: جایگاه بحث جبران ضعف سند

آنچه اذهان فقیهان امامی را پس از تقسیم‌بندی چهارگانهٔ حدیث به خود مشغول کرد

۱. دانسته است که حدیث نزد متقدمان به دو گونه تقسیم می‌شده است: یک. حدیث صحیح: حدیثی که بر پایهٔ فراین متعدد به صدور آن از معصوم اطمینان می‌یافتند. عمل به چنین حدیثی مورد اتفاق قدما بوده است (نک: ۳۳، ص ۶۵-۶۶)؛ دو. حدیث ضعیف: حدیثی که صدور آن از معصوم محل تردید بود.

مسأله حجیت هر یک از این گونه‌ها بود. دیدگاه محدودکننده فقیهان متأخر - به‌ویژه فقیهان مکتب فقهی حله و پیروان آنها - درباره احادیث معتبر و تأکید بر لزوم شروط عدالت و ایمان در راوی سبب شد تا ضعف‌ها و اشکالاتی گاه از جهت سند و گاه از جهت دلالت بر اعتبار احادیث نقل شده از معصومان [علیهم السلام] مطرح شود. واقعیت در این میان آن است که با تکیه بر قواعد نقد سندی در ارزیابی احادیث حجم قابل توجهی از میراث حدیثی در زمره روایات ضعیف جای گرفت.^۱ بدینسان بسیاری از مستندات حدیثی فقیه در استنباط احکام شرعی از دایره حجیت خارج شد و در پی آن، کار فقهی و اجتهادی برای کشف احکام الهی در موارد متعددی با تنگناهایی روبرو شد.^۲ با این همه، این دست فقیهان متوجه این حقیقت بودند که حدیث ضعیف^۳ هرگز به معنای حدیث برساخته نیست، از این رو درباره حجیت حدیث ضعیف به گفتگو پرداختند.

هرچند بر پایه قاعده «تسامح در ادله سنن» بیشتر فقیهان به حدیث ضعیف در سنن [مستحبات]، قصص، مواظب عمل کرده و آن را در حوزه مستحبات حجت می‌دانند [۴۲]، ص [۹۴]،^۴ اما داستان درباره حوزه فقه و شریعت کاملاً متفاوت است. پس از تقسیم حدیث به چهار گونه کلی - که از آن به «تنوع اربعه حدیث» یاد می‌شود - حجیت حدیث ضعیف در فقه، مورد مناقشه قرار گرفت.

۱. شمارشی که شهید ثانی و محمدباقر مجلسی از تعداد احادیث هر یک از انواع چهارگانه حدیث در *الکافی* ارائه کرده‌اند گواه این سخن است. بنا بر نظر شهید ثانی، *الکافی* مشتمل بر ۵۰۷۲ حدیث صحیح، ۱۴۴ حدیث حسن، ۱۱۱۸ حدیث مؤثق، ۳۰۲ حدیث قوی و ۹۴۸۵ حدیث ضعیف است. محمدباقر مجلسی نیز بنا بر یک شمارشی، تعداد احادیث ضعیف *الکافی* را ۸۲۹۹ حدیث از میان ۱۵۳۴۹ مجموع احادیث آن دانسته است، یعنی حدود ۵۴٪ از حجم کل احادیث این کتاب. نک: ۲۱، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۲. کنار گذاشتن گستره بسیاری از احادیث معتبر در فقه امامی و شکل‌گیری نظام فقهی نابسامانی را موجب گردید که عدم ثبوت مسائل فقهی از مبانی این نظام نابسامان شده بود. این محدودیت به‌طور خاص پس از شیخ حسن بن زین الدین عاملی و سید محمد عاملی که تنها حدیث صحیح اعلایی را حجت می‌دانستند بیشتر شده بود. وحید بهبهانی با اشاره به این نکته به شدت بدان اعتراض کرده است. [۱۳، ص ۲۲۴].

گفتنی است که حدیث صحیح اعلایی یکی از اقسام حدیث صحیح است. حدیث صحیح به حدیثی گفته می‌شود که «سند آن به معصوم متصل باشد و راوی عادل امامی آن را از راوی مشابه خود در تمام طبقات گزارش کرده باشد» [۴۲، ۷۷]. حال اگر امامی و عادل بودن تمام راویان مستند به علم وجدانی یا شهادت دو نفر عادل باشد به آن «صحیح اعلایی» گفته می‌شود. [۵۲، ۱/۱۵۵].

۳. حدیث ضعیف، حدیثی است که هیچ کدام از شرایط سه گونه احادیث صحیح، حسن و مؤثق را ندارد [نک: ۲۴، ج ۱، ص ۵؛ ۴۲، ص ۸۶؛ ۴۳، ص ۲۶۶].

۴. برای بحث تفصیلی درباره این قاعده و دیدگاه فقیهان درباره آن نک: ۳۹، ۲۰۸-۲۳۹؛ ۴۷، ص ۷-۴۳؛ ۵۷، ص ۱۸-۱؛ درباره ادله حدیثی این قاعده نک: ۲۶، ۲۷۱-۲۹۰.

بی‌اعتباری و عدم حجیت حدیث ضعیف به دلیل فقدان شروط حجیت خبر واحد در آن، مورد اتفاق همه فقیهان متأخر است [۵۰، ص ۱۶۸]. موضوعی که توجه شماری از این فقیهان را به خود معطوف کرده آنکه در مواردی یک حدیث ضعیف مستند برخی احکام فقهی امامی قرار گرفته است، آیا «عمل اصحاب به یک حدیث ضعیف» می‌تواند دلیلی برای حجیت آن تلقی شود؟ آیا شهرت حدیثی ضعیف، ضعف سندی آن را جبران می‌کند؟ شماری از فقیهان متأخر متوجه واقعیتی تاریخی در فقه امامی بودند که گاه اصحاب به حدیثی ضعیف‌السند عمل کرده‌اند یا حدیثی ضعیف مستند فتوای آنها قرار گرفته است. برخی احادیث نقل شده از ائمه [علیهم‌السلام] گاه از جهت سند و گاه از جهت دلالت دارای ضعف و اشکال بوده‌اند به گونه‌ای که نمی‌توان بر آنها اعتماد نمود ولی برخی از آنها با وجود مشکل یاد شده مبنای فتوای فقهای مشهور قرار گرفته‌اند. بدینسان، قرینه «شهرت» حدیث مورد توجه آنها قرار گرفت.

درباره حجیت احادیث ضعیفی که مورد استناد برخی احکام شرعی بوده و از آنها به «الضعیف المُنَجَّبَر» [۱۶، ج ۶، ص ۱۷۹؛ ۳۷، ج ۳، ص ۴۳۴؛ ۴۵، ج ۱۱، ص ۱۸۸] یا «الضعیف المقبول» [۵۰، ۱۶۸، ۱۷۸] یاد می‌کنند میان فقیهان دوره متأخر گفتگوست. شماری از این فقیهان چنانچه ضعف حدیثی ضعیف با شهرت جبران شود حجیت آن را می‌پذیرند، اما در مقابل گروهی دیگر با عدم معتبر دانستن معیار «شهرت»، اعتبار چنین حدیث ضعیفی را با وجود شهرت روایی یا عملی بر نمی‌تابند. مسأله «جبران ضعف حدیث با شهرت» از مباحث مهم و چالشی در فقه امامی است که تا به امروز نیز ادامه دارد. ظاهراً کم شدن مستندات معتبر حدیثی برای احکام فقهی در نگاه متأخران سبب شکل‌گیری این قاعده بوده است. به نظر، بحرانی چنین نظری داشته است، آنجا که می‌نویسد: «از همین رو، خود مجتهدان نیز در برخی موارد، ناچارند از این قانون خارج شوند و به خبری که به اصطلاح آنها ضعیف است عمل کنند و برای توجیه آن بگویند: «عمل مشهور، ضعف سند آن را جبران می‌کند» [۹، ص ۴۶-۴۷].

۳. «شهرت» و جبران ضعف سند از منظر وحید بهبهانی

شهرت در لغت به معنای روشن شدن، آشکار شدن، پدیدار شدن و شیوع چیزی در بین مردم یا یک گروه خاصی است [۳، ج ۴، ۴۳۱-۴۳۲؛ ۱۹، ج ۲، ص ۷۰۵؛ ۴۹، ج ۳، ص ۴۰۰]. این واژه در اصطلاح دانش اصول فقه نیز به همین معنا به کار رفته و به عنوان یکی از ادله شرعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است [نک: ۴۴، ج ۲، ص ۱۳۳؛ ۵۴، ج ۳، ص ۱۶۷].

شهرت در یک نگاه کلی به سه نوع تقسیم می‌شود: شهرت روایی، شهرت عملی و شهرت فتوایی [برای نمونه نک: ۵۳، ص ۱۵۵-۱۵۶ و نیز ادامه مقاله]. شهرت در مباحث اصول فقه در زمره «آمارات» مورد بحث قرار گرفته است. درباره حجیت اماره شهرت چند نظر میان عالمان و فقیهان اصولی وجود دارد. در ادامه، ضمن بررسی هر یک از این موارد و بیان دیدگاه‌های کلی عالمان امامی درباره آنها، به تفصیل از دیدگاه علامه محمد باقر وحید بهبهانی سخن خواهیم گفت.

بررسی آثار و عبارات وحید بهبهانی حاکی از آن است که دیدگاه وی در مسأله جبران ضعف سند با انواع سه‌گانه شهرت متفاوت است.

۳.۱. شهرت روایی

دسته نخست از شهرت، «شهرت روایی» است. مراد از آن، شیوع و شهرت نقل روایتی است در بین محدثان و راویانی که به دوران حضور نزدیک بوده‌اند [۵۳، ص ۱۵۵]، به‌گونه‌ای که آن روایت را فراوان و با واژگان یکسان و یا گونه‌گون ولی نزدیک به هم نقل یا تدوین کرده‌اند، هرچند به حد تواتر نرسیده باشد [۴۲، ص ۹۲]. بدینسان، نقل حدیث در کتاب‌های روایی کهن همچون *الکافی*، کتاب *من لا یحضره الفقیه*، *تهذیب الأحکام* و... نشانگر شهرت روایی آن حدیث است.

بیشتر گفتیم که دیدگاه وحید بهبهانی در مسأله جبران ضعف سند با استناد به انواع سه‌گانه شهرت متفاوت از یکدیگر است. توضیح مطلب آنکه، او نه تنها «شهرت روایی» صرف را معتبر نمی‌داند بلکه آن را سبب تضعیف حدیث قلمداد کرده است: «[إن كثيراً من المرجحات ربما یكون أقوى من العدالة، مثل: الإنجبار بعمل الأصحاب، أو الشهرة بحسب الرواية والفتوى، أو الفتوى، لا الرواية فقط من دون فتوى، فإن ذلك یضعف الخبر بلاشبهة]» [۱۳، ص ۲۱۳].

بنابراین از منظر وحید بهبهانی شهرت روایی صرف، عامل جبران ضعف سند نخواهد بود؛ زیرا نقل روایت بدون فتوا به مضمون آن، این احتمال را تقویت می‌کند که عالمان به وجود خللی در جهت صدور یا جهات دیگر حدیث آگاه بوده‌اند و به همین دلیل به آن استناد نکرده و از آن اعراض کرده‌اند.

۳.۲. شهرت عملی

گونه دیگر شهرت، «شهرت عملی» است که به معنای شیوع و شهرت عمل فقها در مقام

فتوا به حدیثی است که سند آن روشن نبوده، مجهول یا ضعیف است [۱۱، ج ۳، ص ۹۹؛ ۱۸، ج ۲، ص ۱۴۳؛ ۵۳، ص ۱۵۵]. به بیان دیگر اعتماد فقها به حدیثی خاص و استناد آراء و نظراتشان بر آن، نشانگر احراز اعتبار حدیث توسط ایشان است. از این رو در این گونه از شهرت مستند آراء کاملاً شناخته شده و مشخص است.

پیش از پرداختن به دیدگاه وحید بهبهانی درباره امکان جبران ضعف سند با استناد به «شهرت عملی» ذکر این نکته لازم است که در دانش اصول فقه از چنین شهرتی در دو محور گفت و گو می شود: یکی آنکه آیا شهرت عملی جبران کننده ضعف سند روایت هست یا خیر؟ و دیگر آنکه آیا اعراض مشهور از حدیثی - با وجود صحت سند آن - موجب سستی اعتبار آن می شود یا خیر؟

در پاسخ به این دو پرسش می توان عالمان امامی را به دو گروه تقسیم کرد. برخی عمل مشهور را جبران کننده ضعف سند می دانند و اعراض اصحاب را نیز موجب سستی حدیث قلمداد می کنند [برای نمونه نک: ۱۱، ج ۳، ص ۹۹؛ ۲۷، ج ۶، ص ۲۸۶؛ ۳۵، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۵۸؛ ۴۳، ج ۳، ص ۴۳۵؛ ۵۲، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ۶۱، ص ۱۲]. در مقابل، شماری از فقیهان نیز نه عمل مشهور را جابر ضعف سند حدیث می دانند و نه اعراض ایشان را سبب سستی آن. بنا بر نظر این گروه، عمل مشهور تنها معیار درستی حدیث از جنبه سندی و گویای آن از جهت دلالتی است [۱۸، ج ۲، ص ۱۴۳، ۲۰۱]. البته باید توجه داشت که مسأله انجبار ضعف سند به وسیله شهرت عملی تنها به احادیث فقهی منحصر است و بر همه گونه های احادیث از جمله روایات اعتقادی و اخلاقی قابل تطبیق نیست [۶۰، ص ۳۰۶].

با بررسی سخنان وحید بهبهانی در این باره می توان او را در زمره عالمان دسته نخست جای داد؛ چه آنکه وی معتقد است شهرت عملی جبران کننده ضعف سند است و در موارد متعددی برای رفع ضعف سندی حدیث به این قاعده استناد جسته است. برای نمونه، وی در پاسخ به اشکال محقق اردبیلی مبنی بر نادرستی استناد به حدیثی منقول از حمزه بن حمران [۲۳، ج ۱۷، ص ۲۶۰، ح ۲۲۷۵] در مسأله شرایط متقاعدین در معامله به این دلیل که عبدالعزیز عبدی توثیق نشده و حمزه بن حمران مجهول است [۴، ج ۸، ص ۱۵۴-۱۵۵]، معتقد است که عمل اصحاب به این حدیث ضعف سندی آن را جبران می نماید: «لا یخفی أنّ الضعف منجبر بعمل الأصحاب لو لم نقل الإجماع» [۱۴، ص ۸۰]. نمونه دیگر آنکه صاحب مدارک الأحکام دو حدیثی را که شیخ طوسی درباره حکم فردی که در بیابان تنها یک لباس دارد و آن نیز به جنابت نجس شده روایت کرده، بی اعتبار می داند. دلیل وی در بی اعتباری این دو حدیث ضعف سندی آنهاست.

سند حدیث نخست به سبب وجود زرعة بن محمد حضرمی و سماعة بن مهران که هر دو واقفی‌اند و نیز سند حدیث دوم به دلیل وجود محمد بن عبدالحمید عطار در سند آن ضعیف‌اند [۴۸، ج ۲، ص ۳۶۰]. وحید بهبهانی عمل اصحاب به مضمون این دو حدیث را در جبران ضعف سند آن کافی دانسته است: «و هذا الإعتراض أيضا ظهر فساده مراراً، لأنهما منجبرتان بعمل الأصحاب، لأنّ القدماء و المتأخرين عملوا بهما» [۱۶، ج ۶، ص ۲۴۸-۲۴۹]. برای نمونه‌های دیگر نک: ۱۴، ص ۲۸؛ ۱۵، ج ۱، ص ۳۰۳، ۳۱۵، ج ۲، ص ۸، ۷۱، ج ۳، ص ۸۷؛ ۱۳۲؛ ۱۶، ج ۲، ص ۲۷، ۱۴۲، ج ۳، ص ۳۲۰، ۳۳۲، ج ۶، ص ۱۷۹].

بنابر نظر وحید بهبهانی، چنانچه عمل مشهور با اصول و قواعد کلی و مسلم هماهنگ نباشد نمی‌تواند ضعف سند را جبران کند. به باور او، حدیثی که با عمل اصحاب جبران می‌شود نیازی به بررسی سندی ندارد؛ زیرا در این صورت ضعف سند ضرری برای استناد به آن روایت نمی‌رساند. او این نکته را با عبارات گوناگونی مورد اشاره قرار داده است: «قوله: و هذه مرسله؛ لا یضّرّ بعد الإنجبار بعمل الأصحاب» [۱۵، ج ۲، ص ۸۸]، «قوله: قاصرة من حيث السند ... لا قصور بعد الإنجبار بعمل كل الأصحاب» [۱۵، ج ۳، ص ۲۷۰]، «لا حاجة إلى التعرض لذكر حال السند بعد الإنجبار بعمل الأصحاب، كما هو مسلم» [۱۴، ص ۲۸۱]، «و ضعف السند إن كان فغير مضر بعد الإنجبار» [همان، ص ۲۴۱]، «...لأن النص بعد الإنجبار یصیر حجة بلا شبهة» [همان، ص ۷۱۲] و «المناقشة فی السند بعد الإنجبار بالإشتهار و فتوى المشهور لا وجه له، كما حَقَّق فی محله و سلم عند المحققين» [همان، ص ۷۸۳]، «و لا یضّرّ فیها الإرسال بعد الإنجبار بالشهرة بین الأصحاب» [۱۶، ج ۶، ص ۲۰۵]. نکته قابل توجه دیگر آنکه، وی شهرت عمل نزد بسیاری از اصحاب را نیز مستند جبران ضعف سندی می‌داند: «... و الإرسال غیر مضرّ بعد الإنجبار بعمل أكثر الأصحاب» [همان، ج ۶، ص ۴۴]. به عبارت دیگر، لازمه شهرت عملی حدیث، عمل همه اصحاب نیست، بلکه عمل اکثر نیز کفایت می‌کند.

جایگاه شهرت عملی نزد وحید بهبهانی در اعتباربخشی به حدیث تا بدانجاست که وی معتقد است حدیثی که ضعف آن به واسطه عمل اصحاب جبران شده است قوی‌تر و مقبول‌تر از حدیث صرفاً صحیح السند است: «بل الخبر المنجبر بعمل الأصحاب أقوى من الصحيح - من حيث هو صحیح - بمراتب شتی، و بالقبول أحرى» [۱۳، ص ۱۴۳].

۲.۲. شهرت فتوایی

دسته سوم، «شهرت فتوایی» است. مقصود آن است که در زمینه حکمی شرعی، فتوایی

از فقها متداول بوده و به عنوان نظریه مشهور در آن حکم شناخته شده باشد بی آنکه مستند روایی آن معلوم باشد [۵۴، ج ۲، ص ۱۴۵، ۱۴۶] یا از آن جهت که سندی برای آن حکم نباشد و یا بوده ولی از آن دوری شده است، به خلاف شهرت عملی. گفتنی است که این گونه شهرت در باب حجیت امارات محل گفتگوست و از حالات و صفات حکم شرعی به شمار می‌رود نه اوصاف خبر [۵۳، ص ۱۵۶].

حجیت شهرت فتوایی میان فقیهان اصولی محل گفتگوست. برخی همچون شهید اول به طور مطلق حجیت آن را پذیرفته‌اند [۴۱، ج ۱، ص ۵۱-۵۲]. در مقابل، گروهی با حجیت آن مخالفند. از فقیهان نامداری همچون شیخ انصاری [۷، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۵]، آخوند خراسانی [کفایة الأصول، ۲۹۲] و میرزای نائینی [۳۴، ج ۳، ص ۱۵۲-۱۵۶] و در میان معاصران آیه الله خوئی [۱۸، ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۶، ۲۴۰] می‌توان در زمره پیروان این نظر یاد کرد که مطلقاً حجیت شهرت فتوایی را نپذیرفته‌اند.

طیف سومی از اصولیان نیز در این باره قایل به تفصیل‌اند، بدین گونه که میان شهرت قدما و متأخرین تفاوت گذارده‌اند. به باور گروه اخیر، چنانچه فتوایی میان عالمان متقدم از شهرت برخوردار باشد، به تعبیر دیگر مستند شهرت فتوایی، نظر و دیدگاه متقدمان باشد، آنگاه حجیت چنین شهرتی پذیرفته است، اما اگر فتوایی میان فقیهان متأخر مشهور بوده باشد، دیگر حجیت آن قابل قبول نخواهد بود.

باورمندان این دیدگاه برای درستی نظریه خود به تاریخ فقه شیعه امامی استناد می‌کنند. به گفته ایشان، آرای فقهی در طول تاریخ شیعه امامیه دارای مراحل بوده است. در ابتدا، شیعیان احادیث را از ائمه اطهار [علیهم السلام] می‌گرفتند و به آنها عمل می‌کردند. در مرحله بعد، احادیث را در کتاب‌ها و جزواتی جمع‌آوری کردند. اصول اربعه در فقه و حدیث شیعه محصول همین مرحله بوده است. در مرحله سوم علمای دین آن کتاب‌ها و جزوات را تنظیم و تبویب کردند. در مرحله چهارم که مرحله فتواست با حذف سند و پس از تخصیص و تقييد و جمع و ترجیح بر طبق متن احادیث فتوا داده می‌شد. چنانکه صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه چنین کرده است. در آخرین مرحله [مرحله پنجم] عصر تطبیق و تفریع فرا رسید و استنباط فروع و مسائل جدید آغاز گشت. بنابر این تا پیش از مرحله پنجم، شهرت فتوایی، موجب وثوق و اطمینان به احادیث ائمه معصومین می‌شده است، اما پس از مرحله پنجم فتاوی فقها جنبه حدس و استنباط را پیدا نموده که برای فقهای بعدی حجیت ندارد. بنا بر این، طبق نظر این

گروه از فقیهان امامی، شهرت فتوایی قدما از خصوصیتی برخوردار است که سبب شده آن را حجت بدانند. این خصوصیت عبارت بود از تعبد خاصّ قدما به این که طبق مضمون روایات ائمه [علیهم السلام] فتوا می‌دادند و سند آن را حذف می‌کردند، و دیگر اینکه متون کتب فقهی آنها روایی بوده و عصر آنها به عصر معصومین نزدیک بوده است. چنین ویژگی موجب حصول وثوق و اطمینان به وجود نصّ معتبر و کشف از رأی معصوم [ع] در نزد فقهای می‌شود که شهرت فتوایی قدما را حجت می‌دانند. اما شهرت فتوایی متأخرین را بدان علت که شکل استنباطی و اجتهادی به خود گرفته است حجت نمی‌دانند، حتی شهرت‌های پیش از زمان شیخ طوسی را که در آنها اعمال نظر و استنباط صورت گرفته معتبر نمی‌دانند [برای این نظر نک: ۲۲، ج ۲، ص ۹۳؛ ۳۵، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۵؛ ۳۶، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ ۵۶، ص ۵۴۳-۵۴۴].

درباره شهرت فتوایی نیز باید گفت که وحید بهبهانی در موارد مختلفی برای جبران ضعف سند حدیث به شهرت فتوایی آن تمسک جسته است. به عنوان نمونه، مقدس اردبیلی حدیثی را که شیخ طوسی نقل کرده [۴۶، ج ۷، ص ۹۱-۹۲، ح ۳۳]، روایتی عامّی تلقی کرده و به همین سبب اعتبار و حجیت آن را مخدوش دانسته است [۴، ج ۸، ص ۲۱۶]، اما وحید بهبهانی برخلاف وی، حدیث را به دلیل شهرت فتوایی آن معتبر قلمداد کرده و آن را پذیرفته است: «لا یخفی أن الروایة العامیة منجبرة بفتاوی الأوصحاب» [۱۴، ص ۱۵۳]. نمونه دیگر آنکه، وی حدیثی را که مشایخ ثلاث [صاحبان کتب اربعه] نقل کرده‌اند معتبر دانسته و معتقد است که ضعف سند محل اعتبار آن نمی‌تواند باشد: «فالروایة فی غایة الإعتبار، مع أنها منجبرة بفتاوی الأوصحاب، بل الإجماعات المنقولة» [۱۶، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲]. برای نمونه‌های دیگر نک: ۱۵، ج ۱، ص ۲۵۹، ج ۲، ص ۱۶۴، ج ۳، ۱۲۴، ۲۱۸؛ ۱۶، ج ۲، ص ۶۸، ۱۶۲، ج ۳، ص ۱۸۹، ۳۴۴، ج ۴، ص ۹۳، ۴۴۹، ج ۵، ص ۴۸۰، ۹، ص ۸۲، ج ۱۰، ص ۲۷]. وی در یک گزاره کلی بر این باور است که حدیث ضعیف به واسطه شهرت فتوایی اصحاب حجیت می‌یابد: «أنّ الضعیف إذا انجبر بفتاوی الأوصحاب یكون حجّة» [۱۶، ج ۴، ص ۱۹].

در این باره گفتنی است که او همچون شهید اول [م ۷۸۶ق] و بر خلاف بسیاری از فقهای امامی، شهرتی را که منشأ آن فتاوی متأخران بوده باشد نیز می‌پذیرد: «نعم الشهرة بین القدماء أقوى من حيث أقربیة العهد و إن كان المتأخرون أدقّ نظراً، وأشدّ تأملاً، و أزيد ملاحظة، و من هذه الجهة یظهر القوة فی شهرتهم، و من هذه الحیثیة تكون أرجح من شهرة القدماء، فتأمل» [۱۳، ص ۳۱۳]. به عنوان نمونه وی در خصوص

جبران ضعف سندی شماری از احادیث یکی از مسایل کتاب طهارت می‌نویسد: «و قلیل منها إن كان ضعيفاً فالضعف منجبراً بموافقة لها و بفتوى القدماء و المتأخرين إلاً من شدّ» [۱۷، ص ۱۸۹]. او در جای دیگر در باب شکسته بودن نماز مسافر در حَرَمین، شهرت بین متأخران را در صورتی قابل قبول می‌داند که برگرفته از شهرت بین اصحاب راوی حدیث - که در نصوص به طور خاص به اعتبار آن اشاره شده است - باشد: «... أن قصر كان هو المشهور بين أصحاب الراوى و المعصوم عليه السلام و العبرة بهذه الشهرة لا شهرة المتأخرين عنهم إلاً أن تكون شهرتهم عن شهرة أصحاب الراوى التى لم يرد النص إلاً باعتبارها خاصة» [همان، ص ۳۶۰].

باید توجه داشت که وحید بهبهانی در مواردی برای جبران ضعف سندی حدیث به دو مؤلفه شهرت عملی و فتوایی استناد کرده است. برای نمونه، درباره ضعف سندی حدیثی به سبب «مُضَمَّر» بودن^۱ بر این باور است که شهرت عملی و فتوایی جبران کننده چنین وضعی است: «لكن الظاهر عدم ضرر هذا الإضمار، كما أن الظاهر عدم ضرر المؤتقة سيما بعد الإنجبار بالإشتهار فى الفتوى والعمل، و خصوصاً إذا إنضم إليه جواب آخر» [۱۶، ۴۵۸/۸]. برای نمونه‌های دیگر نک: ۱۵، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ۱۶، ج ۲، ص ۱۲۶، ج ۵، ص ۳۳۰، ج ۱۰، ص ۱۵۵].

با این وجود وحید بهبهانی توجه داده است که عمل اصحاب به یک حدیث با موافقت روایت با فتاوی اصحاب متفاوت است. او در حاشیه خود بر *مفاتيح الشرائع* به نکته مهمی در باب تفاوت این دو اشاره دارد مبنی بر اینکه عمل اصحاب - همانگونه که در بالا اشاره شد - موجب جبران ضعف سند می‌شود ولی موافقت روایت با فتاوی اصحاب جبران کننده ضعف سند نیست [۱۵، ج ۲، ص ۱۴۰].

۴. ردّ روایت به سبب «اعراض» اصحاب

مسأله پر اهمیت درباره حجیت حدیث که حتی دامن حدیث صحیح السند را نیز گرفته است «اعراض مشهور از حدیث» است. مقصود از اعراض مشهور، عمل نکردن آن‌ها به یک حدیث است؛ با این توضیح که با وجود اعتنای شدید فقیهان امامی به احادیث و اینکه همواره خود را ملزم به عمل به روایات صادره از ائمه [علیهم السلام] می‌دانند اما گاهی ملاحظه می‌شود به مضمون برخی از روایات صحیح السند و تام عمل نمی‌کنند.

۱. «مُضَمَّر» در اصطلاح به حدیثی گفته می‌شود که در انتهای سند آن نام معصوم پنهان باشد و از ایشان در مقام گوینده خبر به ضمیر غائب تعبیر شود. [۴۳، ص ۱۶۴].

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا عمل نکردن آنان به عنوان مانعی در برابر استناد به روایت تلقی می‌شود یا خیر؟ به دیگر سخن، آیا در مرحله عدم وجود مانع در حجیت خبر واحد، اعراض مشهور به عنوان مانعی در برابر خبر صحیح السند مطرح است، به گونه‌ای که اگر حدیثی از جهت اقتضا تام و کامل بود اما مشهور فقیهان از آن اعراض نموده بودند این اعراض موجب بی‌اعتباری و عدم حجیت حدیث مزبور می‌گردد؟ در پاسخ به این پرسش، فقیهان امامی میان اعراض مشهور از سند حدیث و دلالت آن تفاوت گذارده‌اند. درباره اعراض مشهور از سند حدیثی صحیح السند دو دیدگاه وجود دارد. گروهی معتقدند که چنین اعراضی مانع حجیت حدیث صحیح نیست، اما برخی دیگر کاملاً نظری مخالف داشته و این اعراض را مانع حجیت می‌دانند. در خصوص اعراض مشهور از دلالت حدیث مشهور سه نظریه را می‌توانیم میان فقیهان امامی مشاهده کنیم. مطابق نظر نخست، اعراض مشهور از دلالت یک خبر مطلقاً موجب وهن یک خبر نمی‌شود؛ مطابق دیدگاه دوم، اعراض مشهور از دلالت یک خبر مطلقاً موجب وهن یک خبر می‌شود. نظریه دیگر در این خصوص باور به تفصیل در این مسأله دارد. بر اساس این رأی چنانچه اعراض از دلالت حدیثی از سوی عرب زبانان و برگرفته از حاق لفظ باشد موهن است و الا موهن نیست.^۱

برخی عالمان مناط حجیت حدیث را عمل اصحاب می‌دانند و توجهی به اسناد احادیث ندارند [۷، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ ۵۴، ج ۳، ص ۷۴]. ظاهراً محقق حلی قدیم‌ترین عالم امامی پیرو این نظر است [۲۸، ص ۱۴۷]. در میان فقیهان اصولی معاصر نیز می‌توان از آیه الله حسین حلی [م ۱۳۹۴ق] در زمره باورمندان این نظریه یاد کرد. او معتقد است که ملاک حجیت، عمل مشهور بر طبق حدیث است. هر حدیثی که مشهور از آن اعراض کنند حجّت نیست و هر چه مشهور به آن عمل کنند، حجّت است [۳۸، ص ۲۱۵]. محمد جواد مغنیه [م ۱۴۰۰ق] نیز از دیگر پیروان این دیدگاه است. او در مقدمه کتاب *فقه الإمام جعفر الصادق [علیه السلام]* در این باره می‌نویسد که «من از ذکر سلسله راویان احادیث خودداری کردم؛ زیرا به نظر من روایاتی معتبر است که فقها به

۱. برای دلایل و باورمندان هر نظریه نک: ۲، ص ۱۸۳-۱۹۷. در میان فقیهان معاصر دیدگاه آیه الله خوبی در این باره مشهور است. وی معتقد است که روی گردانی و عمل نکردن مشهور زبانی به اعتبار حدیثی که درستی آن ثابت شده وارد نمی‌کند: «إِنَّهُ بَعْدَ ثَبُوتِ صِحَّةِ الْخَبَرِ لَا يَضُرُّهُ اعْرَاضُ الْمَشْهُورِ عَنْهُ». وی، نقش جبران‌کنندگی را نیز برای شهرت نمی‌پذیرد و دلیل آن را چنین ذکر می‌کند: «ملاک، مورد اعتماد بودن راوی است». مصباح الفقه، ج ۱، ص ۲۱.

آن اعتماد و عمل کرده‌اند، نه روایتی که افراد ثقه آن را روایت کرده‌اند؛ زیرا عنوان "فقه امام صادق" یا "فقه آل البيت" حقیقتاً بر احادیثی صدق می‌کند که فقها به آنها عمل کرده و طبق آنها فتوا داده‌اند و صدها سال در آنها اعمال نظر و دقت کرده‌اند و الاّ بر احادیث مُرده، هر چند در کتابها تدوین شده باشند و افراد صالح آنها را روایت کرده باشند، اسم فقه امام صادق، نه حقیقتاً و نه مجازاً، صدق نمی‌کند. احادیث چیزی جز حروف خشک نیستند؛ حیات و روح آنها بستگی به عمل اصحاب دارد» [۵۵، ج ۱، ص ۴].

وحید بهبهانی بر این باور است همان‌گونه که اقبال عملی اصحاب ضعف یک روایت را جبران می‌کند و روایت معتبر می‌شود اعراض اصحاب از یک روایت نیز باعث سستی آن می‌گردد. در واقع، عمل نکردن فقیهان به یک روایت بیان‌کننده وجود خللی در سند یا متن آن روایت است که آنها بر آن اشراف داشته و الاّ دلیلی ندارد که مشهور، روایت صحیح را رها کرده و به یک روایت ضعیف عمل کنند.

وحید بهبهانی در موارد متعددی از این مطلب استفاده کرده و روایت را به سبب اعراض اصحاب از آن شاذ قلمداد کرده است. به عنوان مثال در مسأله وقت نوافل یومیه هنگامی که زمان کافی برای اتمام نوافل و بجا آوردن نماز وتر وجود ندارد دو روایت متعارض وارد شده است. وحید بهبهانی ابتدا روایات را نقل کرده و روایتی را که اصحاب به آن عمل نکرده‌اند شاذ خوانده و روایت دیگر را که سند آن ضعیف است ولی با عمل اصحاب جبران شده ترجیح داده است: «... فی المدارک: هذا مذهب الأصحاب لا علم فیه مخالفاً و مستنده رواية الأحوال قال: قال الصادق علیه السلام: إذا أنا صلیت أربع رکعات من صلاة اللیل قبل طلوع الفجر فاتم الصلاة طلع أو لم یطلع» إنتهی. و رواه الصدوق مرسلأ و سندهما منجیر بعمل الاصحاب. ولا یعارضهما رواية یعقوب البزاز قال: قلت له علیه السلام: اقوم قبل الفجر بقلیل فاصلی اربع رکعات ثم التخوف أن ینفجر الفجر، أبدأ بالوتر أو أتمّ الرکعات؟ قال «لا بل اوتر و آخر الرکعات حتی تقضیها فی صدر النهار» لضعف السند مع عدم الانجبار بل عمل الاصحاب بخلافها فتكون شاذة یجب ترک العمل بها...» [۴۷۴-۴۷۵، ج ۵، ص ۱۶].

در جای دیگر در مسأله احکام نماز مسافر در مورد دو حدیث صحیح السند که اصحاب به آن عمل نکرده‌اند می‌نویسد: «و هما و إن کان صحیحین، إلاّ أنّ عدم عمل الأصحاب بهما یوجب شدوذهما، ورود عنهم علیهم السلام: الأمر بترک الشاذّ والأصحاب أيضاً متفقون علی ترک العمل بما هو شاذّ، ینظر ذلك علی المطلع المتتبع» [۱۶، ج ۲، ص ۱۵۵].

بنابراین روشن است که وحید بهبهانی همچنان که عمل اصحاب را موجب جبران سند می‌داند، در مقابل، اعراض اصحاب را سبب عدم اطمینان به صدور روایت و در نتیجه، رد آن می‌داند هر چند آن روایت از جهت سند در مرتبه صحت باشد.

نتیجه

تاریخ فقه و حدیث شیعه امامی از قرن هفتم به بعد شاهد تحولی جدی در برخی مبانی فقهی - حدیثی خود بوده است. از جمله مهمترین آنها، ارائه تقسیمی نو از خبر واحد با اتکای به سند احادیث و کیفیت سند به لحاظ ویژگی روایان آن بود. تکیه بیش از پیش فقیهان این دوره بر آیه نبأ در حجیت خبر واحد، سبب شد تا ایشان وثاقت در نقل را برای راوی حدیث لازم اما کافی ندانند، بلکه وجود دو شرط «عدالت» - در معنای شرعی آن - و «ایمان» - یعنی شیعه دوازده امامی - را نیز برای پذیرش احادیث روایان شرط نمایند. بدین ترتیب تقسیم‌بندی چهارگانه صحیح، حسن، مؤثق و ضعیف درباره احادیث شکل گرفت. حجیت هر یک از این گونه‌ها مسأله دیگری بود که بحث‌های مفصلی را میان فقیهان در پی داشت. اما تکیه خاص آنها بر قواعد نقد سندی در ارزیابی احادیث سبب شد تا حجم قابل توجهی از میراث حدیثی در زمره روایات ضعیف قلمداد و از دایره حجیت خارج گردد. شماری از فقیهان متأخر متوجه واقعیتی تاریخی در فقه امامی بودند که گاه اصحاب به حدیثی ضعیف السند عمل کرده‌اند یا حدیثی ضعیف مستند فتوای آنها قرار گرفته است. توجه این فقیهان به قرینه «شهرت» حدیث مسأله‌ای دیگر را پدید آورد مبنی بر اینکه آیا می‌توان با استناد به شهرت حدیث ضعف سندی آن را نادیده گرفت؟ وحید بهبهانی از جمله فقیهان شناخته شده متأخر است که مبنای «جبران ضعف سند با شهرت» را پذیرفته است. وی معتقد است که شهرت عملی - به معنای شیوع و شهرت عمل فقها در مقام فتوا به حدیثی ضعیف السند - جبران کننده ضعف سند است و در موارد متعددی برای رفع ضعف سندی حدیث به این قاعده استناد جسته است. هرچند معتقد است که هر گونه شهرت عملی توانایی جبران ضعف سند احادیث را ندارد، بلکه موافقت و هماهنگی آن با اصول و قواعد کلی و مسلم شرط لازم است. به باور او، حدیثی که با عمل اصحاب جبران می‌شود نیازی به بررسی سندی ندارد؛ زیرا در این صورت ضعف سند ضرری برای استناد به آن روایت نمی‌رساند. او همچنین معتقد است همان‌گونه که اقبال عملی اصحاب ضعف یک روایت را جبران می‌کند و روایت معتبر می‌شود اعراض اصحاب از یک روایت نیز باعث سستی آن

می‌گردد. وحید بهبهانی در کنار شهرت عملی، در موارد مختلفی برای جبران ضعف سند حدیث به شهرت فتوایی آن تمسک جسته است. در این باره گفتنی است که او همچون شهید اول [م ۷۸۶ق] و بر خلاف بسیاری از فقهای امامی، شهرتی را که منشأ آن فتاوی متأخران بوده باشد نیز پذیرفته است.

هرچند وحید بهبهانی شهرت عملی و فتوایی را در جبران ضعف سند حدیث پذیرفته اما درباره شهرت روایی - به معنای شیوع و شهرت نقل یک حدیث میان محدثان و راویانی که به دوران حضور نزدیک بوده‌اند - نظر متفاوتی دارد. از منظر او، شهرت روایی صرف، عامل جبران ضعف سند نخواهد بود؛ زیرا نقل روایت بدون فتوا به مضمون آن این احتمال را تقویت می‌کند که آنها به وجود خللی در جهت صدور یا جهات دیگر آگاه بوده‌اند و به همین دلیل به آن استناد نکرده و از آن اعراض کرده‌اند. بدین ترتیب، او نه تنها «شهرت روایی» صرف را معتبر نمی‌داند بلکه آن را سبب تضعیف حدیث قلمداد می‌کند.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. آهنگران (۱۳۸۱ش)، محمد رسول، «اعراض مشهور از خبر صحیح»، مجله مجتمعات آموزش عالی، پاییز ۱۳۸۱ش، ش ۱۹، صص ۱۸۳-۱۹۸.
- [۳]. ابن منظور (۱۴۲۶ق)، محمد بن مکرّم، لسان العرب، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- [۴]. اردبیلی (۱۴۰۳ق)، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، تحقیق: مجتبی عراقی و علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۵]. استرآبادی (۱۴۲۴ق)، محمد امین، الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة، تحقیق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۶]. امین (؟)، سید محسن، أعیان الشیعة، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف.
- [۷]. انصاری (۱۴۱۹ق)، مرتضی، فرائد الأصول، قم: لجنة تراث الشیخ الأنصاری.
- [۸]. باقری (۱۳۹۱ش)، حمید، «نقد و تحلیل معیارهای احراز صدور حدیث نزد متقدمان و متأخران شیعه»، رساله دکتری، اساتید راهنما: دکتر مجید معارف و دکتر منصور پهلوان، دانشگاه تهران.
- [۹]. بحرانی (۱۴۲۹ق)، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرین، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، مکتبه فخرآوی.
- [۱۰]. _____ (؟)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۱۱]. بروجردی نجفی (؟)، محمد تقی، نهاية الأفكار، تقریراً لأبحاث آقا ضیاء الدین العراقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- [۱۲]. بهائی (؟)، محمد بن حسین، مشرق الشمسین واکسیر السعادتین، قم: مکتبه بصیرتی.

- [١٣]. بهبهانی (١٤١٥ق)، محمد باقر، *الفوائد الحائرية*، قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- [١٤]. _____ (١٤١٧ق)، *حاشية مجمع الفائدة والبرهان*، قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- [١٥]. _____ (١٤١٩ق)، *الحاشية على مدارك الأحكام*، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- [١٦]. _____ (١٤٢٤ق)، *مصاييح الظلام في شرح مفاتيح الشرائع*، قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- [١٧]. _____ (١٤٢٧ق)، *حاشية الوافي*، قم: منشورات مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- [١٨]. بهسودی (١٤١٢ق)، محمد، *مصباح الأصول*، تقريراً لبحث آية الله العظمى السيد أبو القاسم الخوئي، تهران: نشر داوری.
- [١٩]. جوهری (١٤٠٧ق)، اسماعيل بن حماد، *الصّحاح*، تحقيق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين.
- [٢٠]. حبّ الله (٢٠٠٦م)، حيدر، *نظرية السنة في الفكر الإمامي الشيعي*، بيروت: مؤسسة الإنتشار العربي.
- [٢١]. حجت (١٣٨٦ش)، هادی، «ارزيابي اسناد الكافي از منظر علامه مجلسي در مرآة العقول»، مجلة علوم حديث، پاييز و زمستان ١٣٨٦ش، شماره ٤٥ و ٤٦، صص ١٦٦-١٩٢.
- [٢٢]. حجتی بروجردی (?)، بهاء الدين، *حاشية على كفاية الأصول*، تقريراً لأبحاث آية الله العظمى السيد حسين الطباطبائي البروجردی، انصاريان.
- [٢٣]. حر عاملي (١٤١٤ق)، محمد بن حسن، *تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).
- [٢٤]. حسن بن زين الدين (١٣٦٢ش)، *منتقى الجمال في الأحاديث الصحاح والحسان*، تصحيح: علي اكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- [٢٥]. _____ (١٤١٧ق)، *معالم الدين*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- [٢٦]. حسيني آل مجدد، سيد حسن، «حديث التسامح في أدلة السنن: سنداً و متناً، مجلة علوم الحديث»، السنة الأولى، العدد ٢، صص ٢٧١-٢٩٠.
- [٢٧]. حلي (١٣٦٤ش)، جعفر بن حسن، *المعتبر*، تحقيق و تصحيح: إشراف ناصر مكارم شيرازي، قم: مؤسسة سيد الشهداء.
- [٢٨]. _____ (١٤٠٣ق)، *معارج الأصول*، تحقيق: محمد حسين رضوي، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).
- [٢٩]. حلي (١٤١٠ق)، حسن بن يوسف، *إرشاد الأذهان*، تحقيق: فارس حسون، ج اول، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- [٣٠]. _____ (١٤١٢ق)، *منتهى المطلب في تحقيق المذهب*، ج اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

- [۳۱]. _____ (۱۴۲۰ق)، *تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية*، تحقیق: ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
- [۳۲]. _____ (۱۴۲۱ق)، *تهذیب الوصول إلى علم الأصول*، تحقیق: محمد حسین رضوی کشمیری، لندن: مؤسسه امام علی (ع).
- [۳۳]. خاقانی (۱۴۰۴ق)، علی، *رجال الخاقانی*، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، چ دوم، قم: مرکز نشر مکتب الإعلام الإسلامی.
- [۳۴]. خراسانی (۱۴۰۹ق)، محمد کاظم، *کفایة الأصول*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- [۳۵]. خمینی (۱۴۱۳ق)، روح الله، *أنوار الهدایة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی قدس سره.
- [۳۶]. _____ (۱۳۶۷ش)، *تهذیب الأصول*، قم: انتشارات دارالفکر.
- [۳۷]. رازی نجفی (؟)، محمد تقی، *هدایة المسترشدين*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۳۸]. ربانی (۱۳۸۷ش)، محمد حسن، *آسیب شناسی حدیث*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- [۳۹]. رضوی (۱۳۷۸ش)، سید عباس، «تسامح در ادله سنن از دیدگاه آقا حسین خوانساری»، *مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، بهار و تابستان ۱۳۷۸ش، ش ۱۹ و ۲۰، صص ۲۰۸-۲۳۹.
- [۴۰]. شهید اول (محمد بن مکی، ۱۴۱۷ق)، *الدروس الشرعية فی فقه الإمامية*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۴۱]. _____ (۱۴۱۹ق)، *ذکرى الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ق.
- [۴۲]. شهید ثانی (زین الدین بن علی، ۱۴۰۸ق)، *الرعاية فی علم الدراية*، تحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- [۴۳]. صدر (؟)، حسن، *نهاية الدراية شرح الوجيزة للشيخ البيهقي*، تحقیق: الشیخ ماجد الغرابوی، ایران، نشر مشعر.
- [۴۴]. صدر (۱۴۲۱ق)، سید محمد باقر، *دروس فی علم الأصول*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۴۵]. طباطبائی (۱۴۱۲ق)، سید علی، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۴۶]. طوسی (۱۳۶۴ش)، محمد بن حسن، *تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة*، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، طهران: دار الکتب الإسلامیة.
- [۴۷]. عابدینی (۱۳۸۵ش)، احمد، «بررسی تسامح در ادله سنن»، *مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، پاییز ۱۳۸۵ش، ش ۴۹، صص ۲۹-۳۸.
- [۴۸]. عاملی (۱۴۱۰ق)، سید محمد، *مدارک الأحكام فی شرح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- [۴۹]. فراهیدی (۱۴۰۹ق)، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق: المهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم: مؤسسه دار الهجرة.

- [۵۰]. فضلی (۱۴۱۶ق)، عبدالهادی، *أصول الحديث*، بیروت: مؤسسة أم القرى و التحقیق و النشر.
- [۵۱]. کرکی (؟)، حسین بن شهاب الدین، *هدایة الأبرار إلى طریق الأئمة الأطهار*، تحقیق: رؤوف جمال الدین، بی جا.
- [۵۲]. مامقانی (۱۴۱۱ق)، عبدالله، *مقیاس الهدایة فی علم الدرایة*، تحقیق: محمد رضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- [۵۳]. مشکینی (۱۴۱۳ق)، علی، *إصطلاحات الأصول*، قم: دفتر نشر الهادی.
- [۵۴]. مظفر (۱۴۲۲ق)، محمد رضا، *أصول الفقه*، تحقیق: صادق حسن زاده مراغی، قم: منشورات الفیروزآبادی.
- [۵۵]. مغنیه (۱۴۲۱ق)، محمدجواد، *فقه الإمام الصادق*، چ دوم، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ق.
- [۵۶]. منتظری (۱۴۱۵ق)، حسینعلی، *نهاية الأصول*، تقریراً لأبحاث آية الله العظمی السید حسین الطباطبائی البروجردی، قم: بی جا.
- [۵۷]. میرمحمدی (۱۳۶۹ش)، سید ابوالفضل، «تسامح در ادله سنن: بحثی در اخبار من بلغ»، تابستان ۱۳۶۸ش، صص ۱-۱۸ و بهار ۱۳۶۹ش، صص ۱-۱۸.
- [۵۸]. نائینی (۱۴۲۹ق)، محمد حسین، *فوائد الأصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۵۹]. نوری طبرسی (۱۴۱۵ق)، حسین، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- [۶۰]. هاشمی (۱۴۲۲ق)، سیدهاشم، *حوار مع فضل الله حول الزهراء (س)*، دارالهدی.
- [۶۱]. همدانی (؟)، آقا رضا، *مصباح الفقیه*، طهران: مکتبه الصدر، چاپ سنگی.